

تحلیل و بررسی مولفه‌های نقد فرمالیستی در آثار سید علی صالحی

پروین ترابی^۱، مریم پیکانپور^۲، خدیجه بهرامی رهنما^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

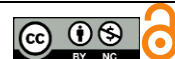
۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Peykanpour@iau.ir

چکیده

نقد فرمالیستی یکی از شیوه‌های علمی بررسی آثار ادبی است که با تمرکز بر متن و کنار نهادن عوامل بیرونی، در پی کشف وجوه زیبایی‌شناسانه‌ای است که زبان روزمره را تا مرز اعجاز شاعرانه ارتقا می‌دهند. در این میان، رستخیز واژگان و آشنایی‌زدایی از مهم‌ترین فنونی است که به زبان روزمره، جامه شعریت می‌پوشاند. در شعر سید علی صالحی، بهره‌گیری از تکنیک‌های گوناگون مانند سیال‌پنداری، حس‌آمیزی، پارادوکس، انتخاب واژه‌های نامأنوس، ایجاد ترکیب‌های بدیع و... بسامد بالایی دارد. این مسئله با ماهیت «شعر گفتار» و رویکرد زبانی ساده، صمیمی و روان در اشعار او پیوندی تنگاتنگ دارد. لحن گفتاری صالحی و تأکید او بر صمیمیت مخاطب، همراه با ذهنیت‌گرایی شاعرانه و تولید عواطف سیال و ملموس، سبب شده است که هنجارگریزی‌های معنایی و آوایی، به‌ویژه «حس‌آمیزی» و «سیال‌پنداری»، در شعر او بسامد بالایی پیدا کند. صالحی در واژه‌گزینی و نیز تأکید بر ظرفیت‌های موسیقایی واژگان، توفیق چشمگیری دارد و با قاعده‌گریزی یا قاعده‌افزایی در حوزه معنا و صورت، پیوسته ترکیب‌های تازه می‌آفریند. او همچنین کهن‌الگوهایی مانند آنیما و آنیموس را در سروده‌هایش به‌خوبی نمایان کرده است. در مجموع، سید علی صالحی به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته شعر معاصر، در همه گونه‌های هنجارگریزی، به‌ویژه در ابعاد معنایی و آوایی، عملکرد چشمگیری داشته و ترفندهای ادبی را نیز از یاد نبرده است. شعر او تجلی خلاقیت، ساده‌نویسی و کشف روابط تازه در زبان گفتار است و این ویژگی‌ها جایگاه او را در ادبیات امروز ایران استوار می‌سازد.

کلیدواژگان: هنجارگریزی، فرمالیسم، سید علی صالحی، نقد معاصر



شیوه استناددهی: ترابی، پروین، پیکانپور، مریم، و بهرامی رهنما، خدیجه. (۱۴۰۳). تحلیل و بررسی مولفه‌های نقد فرمالیستی در آثار سید علی صالحی. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۲(۲)، ۱۶۷-۱۵۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۴ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۶ شهریور ۱۴۰۳

The Treasury of Persian Language and Literature

Analysis and Examination of Formalist Criticism Components in the Works of Seyed Ali Salehi

Parvin Torabi¹, Maryam Peykanpour^{2*}, Khadijeh Bahrami Rahnama³

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

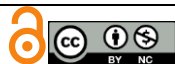
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Peykanpour@iau.ir

Abstract

Formalist criticism is a text-centered approach in literary critique that prioritizes the examination of the form and structure of a literary work. A formalist critic does not seek to understand "what" a poet or writer intends to say in their literary creation but rather "how" they express their intended meaning. Through an analysis of the structure of a text, formalists aim to uncover its hidden meanings and deeper concepts. Seyed Ali Salehi is one of the prominent contemporary poets who, despite his significant contributions to modern Persian poetry, has not received substantial academic attention from Persian language and literature researchers. He was the founder of the *Wave of Purity* poetic movement, which, although short-lived, left a profound impact on poets following the Nimaic style. Salehi also pioneered the *Spoken Poetry* movement, a literary trend that, for nearly two decades, has influenced the way most contemporary poets structure their poetry. A considerable portion of Seyed Ali Salehi's poetry exhibits a strong presence of norm-breaking techniques and formalist elements. This study aims to provide a deeper understanding of these aspects. His poetry is marked by various forms of linguistic deviation, novel expressions, and innovative imagery that enhance the richness of his poetic language. Research indicates that among all types of norm deviation, semantic and phonological deviations are the most prevalent in his works.

Keywords: *Norm Deviation, Formalism, Seyed Ali Salehi, Contemporary Literary Criticism.*



How to cite: Torabi, P., Peykanpour, M., & Bahrami Rahnama, K. (2024). Analysis and Examination of Formalist Criticism Components in the Works of Seyed Ali Salehi. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 2(2), 158-167.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 April 2024

Revise Date: 17 May 2024

Accept Date: 15 August 2024

Publish Date: 26 August 2024

مقدمه

با توجه به گستردگی ادبیات فارسی، به‌ویژه شعر فارسی، از نظر تنوع قالب‌های شعری و صناعات ادبی، می‌توان گفت شعر فارسی بیشترین ظرفیت را برای انطباق با مکتب فرمالیسم دارد. هنر سازه‌ها، هنجارگرایی، هنجارآفرینی، آشنایی‌زدایی، وجه غالب، انواع فرم‌ها (ظاهری، ذهنی و معنوی)، ادبیات و... همگی عناصری هستند که در قلمرو شعر فارسی نمود بسیار دارند و مورد توجه فرمالیست‌ها نیز قرار گرفته‌اند (1).

مکتب‌های نقدی گوناگونی وجود دارد که هر کدام از زاویه‌ای مشخص به متن می‌نگرند؛ برخی شخصیت ادیب و برخی دیگر مخاطب را مبنای نقد خود قرار می‌دهند. بعضی از این رویکردها در تحلیل‌هایشان بر عوامل بیرونی و برون‌متنی تأکید دارند و برخی دیگر بر خودِ متن و نظم و انسجام میان عناصر آن متمرکز می‌شوند (2). نقد فرمالیستی یکی از رویکردهای نقد متن ادبی است که در سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۳۰ میلادی توسط منتقدانی چون ویکتور شکولوفسکی، میخائیل باختین و تینیانوف شکل گرفت. پیروان این روش، مضمون را به حاشیه می‌رانند و بر فرم بیرونی متمرکز می‌شدند. آنان در آغاز، شکل را بنیان نقد خود قرار دادند، اما به تدریج و با ایجاد تعدیل‌ها و پیشرفت‌هایی در قواعد این شیوه، به محتوا و معنا نیز توجه کردند (3).

فرمالیسم با محوری ساختن «شکل» در نقد ادبی، ادبیات را حوزه‌های خودبسنده می‌داند و جایگاهی تازه برای آن پدید می‌آورد که پیش‌تر سابقه نداشت. به بیان بهتر، ناقدان شکل‌گرا بر دو روش عمل می‌کنند: نخست، تأکید بر جوهره ادبی متن و دوم، تأکید بر استقلال پژوهش ادبی؛ یعنی پژوهش‌هایی را معتبر می‌دانند که تنها خود اثر را بررسی کند، نه زمینه‌های تاریخی، روانی، سیاسی و شخصیت مؤلف (4). البته توجه فرمالیست‌ها به شکل، به معنای نادیده گرفتن درون‌مایه و شرایط تاریخی پیدایش آن نیست، بلکه منظور این است که «نقطه آغاز» کارِ ناقد باید شکل اثر باشد (5).

هنرمندان معاصر، به‌ویژه شاعران، در آثار خود از سبک نوینی بهره برده‌اند که حاصل نگاه نوین آن‌ها به پیرامونشان است. این نگاه نو سبب تحولات بنیادینی در شعر معاصر شده است؛ زیرا «شعر» نیز همچون هر نیاز معنوی، ساخته و پرداختهٔ زمان و موقعیت مادی جوامع است و شاعر جز اینکه واسطه‌ای برای دریافت و عرضه داشتن این نیاز باشد، چاره‌ای ندارد. سید علی صالحی از شاعران صاحب سبکی است که دیدگاه منحصر به فرد او نسبت به درون و بیرون خویش، او را از دیگران متمایز کرده است. گزینش واژگان خاص، سادگی و روانی کلام، و لحن صمیمانه و بی‌تکلف صالحی سبب شده است مخاطب چنان با شعرهای او مأنوس شود که گویی در حال گفت‌وگو با دوستی صمیمی است. صالحی از جامعهٔ روستایی - کارگری جنوب کشور برآمده و معتقد است اگر انسانی درد نداشته باشد، آدمیت او زیر سؤال می‌رود؛ از این رو شاعر باید واژگان را وقف بیان دردهای هموعانش کند. آغاز فعالیت صالحی مقارن با یکی از بحرانی‌ترین و پرتنش‌ترین دوره‌های فرهنگی - سیاسی ایران است و توجه به این موضوع تا اندازه‌ای می‌تواند در بررسی شعر او راهگشا باشد. همچنین او زمانی کارش را آغاز کرد که شاعران نامدار بسیاری در عرصه شعر فعالیت داشتند. صالحی متعلق به دورانی است که شعر، چشم و چراغ هنر ایران بود و همهٔ نحله‌های فکری، ادبی، سیاسی و اجتماعی، شعر را کارآمدترین رسانه می‌دانستند؛ از این رو شاعران جایگاهی ویژه داشتند. از جمله خصایص شعر صالحی، جریان‌سازی در عین جریان‌گریزی است (6).

در این جستار کوشیده‌ایم هشت سرودهٔ سید علی صالحی را نقد و تحلیل کنیم و برخی از زیبایی‌ها و ظرافت‌های ادبی نهفته در آن‌ها را نشان دهیم؛ اینکه چگونه مضامین آشنا از رهگذر شکل‌هایی نامأنوس و زیبا بیان می‌شوند. همچنین در این پژوهش به بررسی برخی از ویژگی‌های شاخص شعر سید علی صالحی

می‌پردازیم تا ضمن آشنایی بیشتر با این شاعر، نسبت به جریان فرمالیستی نیز شناخت عمیق‌تری به دست آوریم.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی - تحلیلی است. ابتدا همه اشعار این شاعر با دقت بررسی شد تا عناصر مرتبط با ساختار شکلی و محتوایی هر بیت شناسایی و در فیش‌های تحقیق ثبت شود. سپس داده‌ها از نظر محتوایی تجزیه و طبقه‌بندی شد تا بستر نگارش پژوهش فراهم آید. همچنین از نمودارهای ستونی نیز برای نشان دادن بسامد کاربرد موضوعات نقد فرمالیستی در اشعار سید علی صالحی استفاده شده است.

شعر سید علی صالحی

سید علی صالحی، شاعر خوش‌ذوق خوزستانی، زاده روستای «مرغا» بین ایذه و مسجدسلیمان است. او توانسته است با سبک خاص خود - که به «جنبش شعر گفتار» شناخته می‌شود - برگ جدیدی در پیشینه شعر و ادب پارسی بیفزاید و تحسین ادب‌دوستان را برانگیزد.

در شعرهای صالحی، تکرار ضمیر «من» چشمگیر است و او خود «متکلم» شعر خویش محسوب می‌شود. صالحی معتقد است این «من» طبیعی‌ترین و صادق‌ترین مخاطب شعر اوست که نوعی «من» مشترک انسانی را باز می‌نمایاند.

از آنجا که شعرهای او از هارمونی درونی و ضرباهنگی گوش‌نواز بهره‌منداند، از پرمخاطب‌ترین شعرهای معاصر به شمار می‌آیند. او در کتاب‌هایی مانند زرتشت و ترانه‌های شادمانی، لیالی لا، ترانه‌های ملکوت و این منم ارابه‌ران خورشید، لحنی ادیبانه و مطمئن دارد که از متون کهن تأثیر گرفته است. اما از کتاب‌های مثلثات و اشراق‌ها به بعد، شعرهایش رو به زبان محاوره و گفتار می‌گذارد.

در شعرهای گفتاری، معمولاً رابطه شاعر، واژه، شعر و مخاطب، هندسه‌ای خطی دارد و حس همدلی میان شاعر و مخاطب قوی است؛ شبیه آنچه در شعرهای فروغ فرخزاد نیز دیده می‌شود. با این حال در شعر صالحی، این مسیر خطی گاهی به تونلی آینه‌کاری شده شباهت پیدا می‌کند که در آن، شاعر و مخاطب در هم تکرار و گاه یکی می‌شوند. شاعر گاه واژه‌های اضافی شعر را چون پاره‌سنگی به دیوار شیشه‌ای این تونل پرتاب می‌کند و با ترک برداشتن شیشه‌ها، تصاویر شعری پراکنده و آشفته می‌شوند. در این لحظه است که مخاطب، چه از منظر حسی و چه از منظر معنایی، پیوند خود را با شاعر از دست می‌دهد و شعر ممکن است از بالندگی دور بماند.

مؤلفه‌های نقد فرمالیستی در اشعار سید علی صالحی

نقد ادبی از مهم‌ترین مباحثی است که حاصل دانش و هنر منتقد است. برخی از پژوهشگران، نقد را نیز گونه‌ای از انواع ادبی دانسته‌اند و منتقد ادبی را هم‌ارز نویسنده و خالق اثر تصور می‌کنند. منتقد ادبی افزون بر آشنایی با نحله‌های گوناگون نقد ادبی و علوم ادبی، باید کتاب‌خوانی حرفه‌ای باشد و با بسیاری از دانش‌های دیگر چون سیاست، مذهب، جامعه‌شناسی، روایت‌شناسی و تاریخ نیز آشنایی داشته باشد. یکی از مباحث مهم و کاربردی در نقد ادبی، نقد فرمالیستی است که تکیه‌اش بر زبان‌شناسی است؛ یعنی توجه به ظاهر و فرم نوشتار بیش از توجه به محتوا. در نقد فرمالیستی، شیوه گویندگی نویسنده، مهم‌ترین جایگاه را دارد.

فرمالیسم در شعر سید علی صالحی

الف) مجاز

رابطه‌ای که میان معنای حقیقی و معنای مجازی یک واژه برقرار است، «علاقه» نامیده می‌شود. استعاره مهم‌ترین نوع مجاز است. در ادامه، نمونه‌هایی از انواع علاقه‌های مجازی در اشعار صالحی آمده است:

علاقه کلیت و جزئیت (ذکر کل و اراده جزء)

حالا به خس‌خس این سینه خراب / خواب می‌بینی باران را به
دوردست گریه‌ها / هی نوبت‌نشین بی‌تمام راه!
(7)

«سینه» در اینجا مجاز از گلوگاه و نای است (ذکر کل و اراده جزء).

علاقه لازم و ملزوم

یار... یار... یار! / من دردها دارم به این دقیقه / که بلکه تو / شفایم
بیاوری
(7)

«شفا» در اینجا مجاز از درمان و مرهم است (علاقه لازم و ملزوم).
علاقه صفت و موصوف

... بیا... اعتماد بزرگ / یقین بی‌پایان هرچه زنانگی!
(8)

«اعتماد بزرگ» و «یقین بی‌پایان هرچه زنانگی»، مجاز از محبوب
هستند (صفت به جای موصوف).
علاقه مجاورت

به گمانم آشنایی هنوز / در پس خاکریز قیر و شن / منتظر مهتاب
شب هفتم است.
(7)

«مهتاب» مجاز از ماه است (علاقه مجاورت).

ب) استعاره

استعاره در لغت به معنای «عاریه گرفتن واژه‌ای به جای واژه‌ای
دیگر» است؛ زیرا شاعر، واژه‌ای را با علاقه مشابهت به جای واژه
دیگر می‌نشانند. از نظر ساختاری، استعاره به دو گونهٔ بنیادین
تقسیم می‌شود: آشکار (مصرّحه) و کنایی (مکنّیه). استعاره‌های
مصرّحه نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند که در نمونه‌های شعر
صالحی به مواردی برمی‌خوریم؛ برای نمونه:

حرف که می‌زنم گاهی / سنگ به سنگ می‌گوید: هیس! / دعای
عهدِ زنان و / زبور حضرت مولاناست / فرمانروای برگزیدهٔ واژه‌ها
/ به کیمیای شفاعت بخش تکلم رسیده است (7).

«دعای عهدِ زنان» و «زبور حضرت مولانا»، استعاره از شعر شاعر
است با لوازم سخن گفتن.

«فرمانروای برگزیدهٔ واژه‌ها» استعاره از خودِ شاعر است.

«کیمیای شفاعت بخش تکلم» نیز استعاره از شعر است.

ج) انسان‌وارگی (Personification)

چشم‌ها، چکامه‌های وهن منتظرند / دست‌ها و دهان‌ها، دیوارهای
دوده‌اندود گوری دور / و فواره‌های خاموش فاتحه / بر نبض
گلبرگ ارغوان (7).

«نبض گلبرگ ارغوان»: تشبیه گلبرگ به جاننداری که نبض دارد.
نو عروس آبستنِ نسلِ انتظار / خواب یک انار پا به‌زا می‌بیند / و
من در پس همهٔ دیوارهای جهان / خوابِ دریچه‌ای کوچک (7).
«انار پا به‌زا»: تشبیه انار به جاننداری که قابلیت زایمان دارد.

د) کنایه

کنایه عبارت یا جمله‌ای است که گوینده در آن معنای ظاهری را
اراده نکرده، اما قرینه‌ای که کاملاً ما را به معنای باطنی راهنمایی
کند نیز وجود ندارد. برای نمونه:
می‌ترسم حروف‌چینِ خسته / حواسش نباشد / گاهی به جای
است، است بیاید / اما است با است... چه فرقی دارد؟ (7)
«حروف‌چینِ خسته» کنایه از خداوند است.

ه) تشبیه

مانند کردن چیزی به چیز دیگر براساس پیوندی خیالی را تشبیه
می‌گویند. تشبیه را گاه با ادات (مثل، چون، مانند و...) و گاه بدون
ادات به کار می‌برند:

کلمات هم گاهی مثل ما آدم‌ها / گهواره خود را برمی‌دارند / می‌روند جایی دور... (7)

تشبیه کلمات به کودکان دارای گهواره (تشبیه مجمل).

گندم، لهجه آبی باد را می‌فهمد. (7)

باد به جاننداری تشبیه شده که لهجه دارد (تشبیه مفصل).

و) سمبل

سمبل یا نماد، بر دو گونه است: قراردادی (عمومی) و شخصی (خصوصی). نمونه‌ای از سمبل شخصی در شعر صالحی، واژه «ریرا» است که نزد او به فرشته زنی اثری اشاره دارد.

۵. بدیع

بدیع علمی است که وجوه زیبایی‌شناسانه کلام را پس از رعایت تناسب و مطابقت با مقتضای حال بررسی می‌کند. در ادامه، به برخی آرایه‌های بدیعی در شعر صالحی اشاره می‌کنیم:

مراعات نظیر

کبوتر خشکیده بر ایوان، به بازگونی آسمانش / پر و بال پروازی نیست / یعنی این ماهیان مرده در خواب برکه بلور تکثیر نمی‌شوند؟ / دریغا از نسل آینه / تنها پاره‌ای انعکاس کدر در کف من است. (7)

«کبوتر، آسمان، پر، بال و پرواز» تناسب دارند و «ماهیان، برکه، انعکاس و آینه» نیز متناسب‌اند.

تضاد

آیا هنوز در جاده کسی سمت سایه می‌رود؟ / پنجه بر پیشانی و آفتاب میان مژه و راه... (7)

«آفتاب» و «سایه» تضاد دارند.

تلمیح

اکنون به شیونی پنهان در سوگ اوفیلیا گریه می‌کنم / که هنوزش آب‌ها شرمنده مرگ منند (7)

«اوفیلیا» تلمیحی است به نمایشنامه هملت و شیوه مرگ اوفیلیا.

حس آمیزی

حس آمیزی یعنی انتقال ویژگی‌های مربوط به یک حس به حس دیگر؛ مانند تعبیر «تیرگی به طعم روز» (9) که در آن، تیره بودن روزگار با حس چشایی درمی‌آمیزد.

پارادوکس

پارادوکس یا متناقض‌نما، آمیزش مفهومی دو واژه به‌ظاهر ناسازگار است؛ مانند «خاموش روشن» یا «کلمات روشن بی چراغ».

وزن

گاه در شعر صالحی شاهد شعرهای کاملاً بی‌وزن و بی‌قافیه‌ایم؛ مانند:

بنویس که هلهله کودکان از تولد غنچه‌ای کوچک / بهار آگاهی‌ست / بنویس که حلول ستاره از دریچه به رختخواب / مهربانی محض است / بنویس که زندگی / تعارف نان است و غزل / از پنجره به کوچه هفتم / بنویس، تو بنویس! / من که دست‌هایم را... (7)

توازن آوایی و واجی

تکرار واج‌ها یا گروه‌های آوایی، یکی از شیوه‌های ایجاد موسیقی درونی در شعر اوست؛ نظیر:

این باد بی‌پناه از خواب خردل و خون می‌گذرد

تکرار واج‌های /خ/ و /ن/

و نعره نقرتی عظیم که بیدار باش مرگی همیشگی است

تکرار واج‌های /ن/ و /م/

برجسته‌سازی از طریق قاعده‌کاهی و آشنایی‌زدایی

صالحی از رهگذر انتخاب واژه‌های کمترمتداول، ترکیب‌های تازه و گاه کهن، ظرفیت شعر را بالا می‌برد. تعبیرهایی همچون «تألم خانه زاد حباب» یا «دلاشوبه بی‌سؤال جهان» یا «سواد صبوری آسمان» گونه‌ای آشنایی‌زدایی پدید می‌آورند و به شعریت متن می‌افزایند.

نتیجه‌گیری

در حوزه معنا و صورت، پیوسته ترکیب‌های تازه می‌آفریند. او همچنین کهن‌الگوهایی مانند آنیما و آنیموس را در سروده‌هایش به‌خوبی نمایان کرده است.

درمجموع، سید علی صالحی به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته شعر معاصر، در همه گونه‌های هنجارگرایی، به‌ویژه در ابعاد معنایی و آوایی، عملکرد چشمگیری داشته و ترفندهای ادبی را نیز از یاد نبرده است. شعر او تجلی خلاقیت، ساده‌نویسی و کشف روابط تازه در زبان گفتار است و این ویژگی‌ها جایگاه او را در ادبیات امروز ایران استوار می‌سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Formalist criticism, as a literary analytical approach, focuses primarily on the textual elements of a work rather than external influences such as historical, biographical, or sociopolitical contexts. The emergence of this approach in the early 20th century was marked by the contributions of scholars such as Viktor Shklovsky and Roman Jakobson, who emphasized the autonomy of literature as an art form distinct from its creator and audience (4). In the context of Persian literature, formalist criticism has provided valuable insights into contemporary poetic structures and linguistic innovations. Seyed Ali Salehi, a prominent contemporary Iranian poet, has

نقد فرمالیستی یکی از شیوه‌های علمی بررسی آثار ادبی است که با تمرکز بر متن و کنار نهادن عوامل بیرونی، در پی کشف وجوه زیبایی‌شناسانه‌ای است که زبان روزمره را تا مرز اعجاز شاعرانه ارتقا می‌دهند. در این میان، رستاخیز واژگان و آشنایی‌زدایی از مهم‌ترین فنونی است که به زبان روزمره، جامه شعریت می‌پوشاند. در شعر سید علی صالحی، بهره‌گیری از تکنیک‌های گوناگون مانند سیال‌پنداری، حس‌آمیزی، پارادوکس، انتخاب واژه‌های نامأنوس، ایجاد ترکیب‌های بدیع و... بسامد بالایی دارد. این مسئله با ماهیت «شعر گفتار» و رویکرد زبانی ساده، صمیمی و روان در اشعار او پیوندی تنگاتنگ دارد. لحن گفتاری صالحی و تأکید او بر صمیمیت مخاطب، همراه با ذهنیت‌گرایی شاعرانه و تولید عواطف سیال و ملموس، سبب شده است که هنجارگرایی‌های معنایی و آوایی، به‌ویژه «حس‌آمیزی» و «سیال‌پنداری»، در شعر او بسامد بالایی پیدا کند.

صالحی در واژه‌گزینی و نیز تأکید بر ظرفیت‌های موسیقایی واژگان، توفیق چشمگیری دارد و با قاعده‌گرایی یا قاعده‌افزایی been a subject of interest for literary scholars due to his unique stylistic features and his role in shaping modern Persian poetry. His contribution to the Wave of Purity movement and the development of Spoken Poetry have had a lasting influence on Persian literary circles (6). Salehi's works exhibit a high degree of norm deviation and linguistic experimentation, which align with the principles of formalist critique. His poetry employs a range of literary devices, including defamiliarization, metaphor, phonological play, and syntactic deviation, which contribute to the aesthetic and expressive quality of his verse (2). This study aims to analyze and evaluate the formalist components present in

Salehi's poetry, with a focus on key elements such as phonetic harmony, structural balance, and semantic innovations. The analysis will further explore how Salehi's linguistic creativity enhances the thematic depth and emotional resonance of his poetry, ultimately positioning him as a pivotal figure in contemporary Persian literature.

One of the defining characteristics of Salehi's poetry is his frequent use of phonological and semantic norm deviation, which serves to create a sense of novelty and poetic enchantment. This aligns with the formalist concept of defamiliarization, wherein common linguistic expressions are transformed to evoke fresh perspectives and heightened aesthetic experiences (5). For instance, Salehi often employs phonetic repetition and alliteration to reinforce the rhythmic qualities of his poetry, as seen in lines where sounds are deliberately echoed to create a musical effect. The interplay of phonemes in his poetry not only contributes to its euphonic appeal but also strengthens the emotional undertones of his themes (1). Another key formalist element in his poetry is the strategic use of syntactic disruption. By altering conventional word orders or omitting expected grammatical structures, Salehi challenges the reader's habitual modes of linguistic perception and enhances the evocative power of his verse (3). This technique is particularly evident in his fragmented verse structures, where enjambment and caesurae disrupt the linear flow of thought, thereby compelling the reader

to engage more actively with the text. Additionally, Salehi's poems frequently incorporate lexical innovation, wherein familiar words are assigned new meanings or used in unexpected combinations to generate fresh poetic images (7). Such stylistic choices not only exemplify formalist principles but also reflect Salehi's broader artistic vision of pushing the boundaries of poetic language.

Beyond phonological and syntactic experimentation, Salehi's poetry exhibits a strong reliance on metaphorical complexity and symbolic imagery. The formalist approach to metaphor treats it as a fundamental mechanism through which language achieves its poetic function. Salehi employs a range of metaphorical constructs that recontextualize everyday experiences, often blurring the boundaries between the tangible and the abstract (8). One of the most recurrent motifs in his poetry is the personification of inanimate objects, wherein natural elements such as wind, water, and fire are endowed with human-like emotions and agency. This technique not only enriches the visual and sensory appeal of his poetry but also aligns with the formalist emphasis on linguistic novelty (7). Furthermore, his work frequently incorporates archetypal symbols that evoke broader existential and philosophical themes. For example, references to mythical figures and historical allegories are interwoven into his verse, creating a multi-layered narrative that invites deeper interpretation (6). The presence of such symbolic structures underscores

Salehi's engagement with intertextuality, as his poetry often dialogues with classical Persian literature while simultaneously forging new interpretive pathways. His use of irony and paradox further enhances the intellectual rigor of his poetry, challenging readers to reconsider conventional meanings and linguistic associations (9).

Another significant aspect of Salehi's poetic style is his manipulation of rhythm and meter to generate emotional intensity. While many of his early works adhered to traditional Persian prosodic patterns, his later poetry reflects a conscious departure from rigid metrical structures in favor of free verse and fluid rhythmic variations (7). This shift aligns with the broader evolution of contemporary Persian poetry, where formal constraints have increasingly given way to more dynamic and expressive forms. Salehi's approach to rhythm often involves the strategic placement of pauses and line breaks, which serve to heighten dramatic tension and emphasize key thematic elements (7). Additionally, his poetry frequently utilizes anaphora and parallelism to reinforce thematic cohesion and establish a sense of continuity throughout his works. These formal techniques contribute to the immersive quality of his poetry, drawing readers into a rhythmic and sensory experience that transcends mere linguistic meaning (7). Moreover, Salehi's incorporation of colloquial expressions and conversational tone further distinguishes his poetry from more rigidly structured verse. His emphasis on

accessibility and emotional immediacy reflects the ethos of the Spoken Poetry movement, which seeks to bridge the gap between literary sophistication and everyday language (6). This stylistic approach has not only expanded the readership of contemporary Persian poetry but has also reinforced the expressive potential of vernacular speech within a literary context.

From a formalist perspective, one of the most intriguing aspects of Salehi's work is his innovative use of linguistic ambiguity and polysemy. Many of his poems feature words and phrases that carry multiple layers of meaning, allowing for diverse interpretive possibilities (7). This technique aligns with the formalist principle that the meaning of a literary text is generated through its internal linguistic structures rather than external references or authorial intent. Salehi's play with homonyms and double entendres exemplifies this approach, as his poems frequently invite readers to engage with language at both literal and metaphorical levels (7). Additionally, his poetry often employs structural mirroring, wherein the form of the poem echoes its thematic content. For instance, poems that explore themes of fragmentation and loss are composed using broken syntax and elliptical phrasing, thereby reinforcing the experiential dimension of the subject matter (7). This self-referential quality of his poetry aligns with the formalist emphasis on the autonomy of the literary text, wherein meaning is derived from the interplay of structural and semantic elements rather than extrinsic factors (4).

Furthermore, Salehi's frequent use of open-ended conclusions and unresolved imagery serves to prolong the interpretive engagement of the reader, creating a sense of poetic indeterminacy that is central to the formalist aesthetic (7).

In conclusion, Seyed Ali Salehi's poetry embodies many of the core principles of formalist criticism, making it a rich subject for textual analysis. His use of phonological, syntactic, and semantic deviations reflects a conscious effort to expand the expressive range of Persian poetry, while his engagement with metaphor, symbolism, and rhythm enhances the aesthetic and emotional depth of his verse (7). The integration of colloquial language with sophisticated poetic techniques further demonstrates his ability to merge accessibility with artistic innovation, a hallmark of the Spoken Poetry movement (6). By employing defamiliarization, linguistic play, and structural experimentation, Salehi challenges conventional modes of poetic expression and redefines the boundaries of contemporary Persian literature (7). His work not only exemplifies the theoretical tenets of formalism but also offers valuable insights into the evolving landscape of modern Persian poetry. As literary scholarship continues to explore the intersections between linguistic form and poetic function, Salehi's contributions remain essential to understanding the dynamic interplay between tradition and innovation in Persian literary history

References

1. Hasanzadeh Niri MH, Eslami A. Postmodern Ontology in the Story 'I am the Omniscient Narrator' Based on Brian McHale's Theory. *Contemporary Persian Literature*. 2015;5(4):42-25.
2. Rajabi F. Lexical and Semantic Function of Repetition in the Poetry of Ahmad Matar and Emran Salahi. *Arabic Literature*. 2013;5(2):68-47.
3. Sedqi H, Zarei BM. Analyzing Protest Symbols in Contemporary Iraqi Literature Based on the Poems of Hassan al-Sunaid. *Iranian Journal of Arabic Language and Literature*. 2014(30):78-61.
4. Ahmadi B. *Structure and Interpretation of Texts*. 9th edition ed: Tehran: Markaz; 2007.
5. Safavi K. *An Introduction to Linguistics in Persian Literature Studies*: Tehran: Elmi Publishing; 2012.
6. Pournamdarian T. Examining and Interpreting Several Symbols in Contemporary Poetry. *Contemporary Persian Literature*. 2012;2(1).
7. Salehi SA. *Selected Poems*: Tehran: Morvarid Publications; 2011.
8. Salehi SA. *Poetry Collection (Three Volumes)*: Tehran: Negah Publications; 2006.
9. Salehi SA. Metadiscourse for Job's Patience. *Donyaye Sokhan Monthly*. 1998(08):38-9.